

چالش‌های پیش روی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان

ضیاءالدین صبوری^{*۱}

مهدی منوری^۲

ابوذر نظریان^۳

چکیده

۲۰۳

دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی کشورها است که در کنار سیاست خارجی، منبع اعمال قدرت برای ارتقای ظرفیت اقدام و کنش یک کشور در روابط خارجی را شکل می‌دهد؛ به طوری که این نوع دیپلماسی نه تنها ناظر بر کاربست سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی بلکه متضمن سهم شدن دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی خواهد بود، و جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و داشتن همسایگانی متنوع و بی ثبات همچون پاکستان، به عنوان یکی از بی ثبات‌ترین و بحران خیزترین کشورهای جهان، نیازمند شناخت و تبیین مؤلفه‌های تأثیر گذار بر امنیت ملی خود می‌باشد که در این میان بررسی و شناخت این کشور و مناسبات نظامی - امنیتی آن به خصوص در قالب دیپلماسی دفاعی می‌تواند کمک شایان به تحقق راهبرد دفاعی ایران نماید. در این پژوهش بر اساس روش تبیینی در صدد پاسخ به این پرسش هستیم که دیپلماسی دفاعی چه نقش و جایگاهی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال پاکستان دارد. روش گردآوری داده‌ها در این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی دفاعی، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره سیزدهم،

شماره دوم، شماره

پیاپی چهل و نه،

تابستان ۱۴۰۲

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی روابط بین‌الملل و رئیس هیأت مدیره انجمن علمی ایرانی روابط بین‌الملل، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* ziasabouri@gmail.com

۲. دانش‌آموخته رشته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و نه، صص ۲۲۲-۲۰۳

مقدمه

کشورها همواره سعی می‌کنند با تدوین مطلوبترین و کارآمدترین سیاست‌های دفاعی - امنیتی و اجرای موفقیت آمیز آن سیاست‌ها، امنیت را به عنوان مهمترین رکن و پیشران برنامه‌های خود به ارمغان بیاورند، چون تولید و حفظ مؤلفه‌های قدرت ملی، از مهمترین اهداف سیاست‌های کلان هر کشور است و انواع سیاست‌های میانی و خرد اعم از سیاست‌های داخلی، خارجی، امنیتی و ... از این سیاست‌های کلان الگوبرداری می‌کند. و دیپلماسی دفاعی به واسطه ماهیت نرم افزارگرایانه و رویکرد اقناع سازی‌اش، می‌تواند بدون تحمیل هزینه‌های گزاف نظامی، تحقق سیاست‌ها و هدف‌های دفاعی مورد نظر را تسریع و تسهیل نماید. به گونه‌ای که روشی مناسب جهت پیگیری آن بخش از سیاست خارجی می‌باشد که نیازمند تلفیق قدرت نرم و سخت جهت پیشبرد برنامه‌هاست. در این میان جمهوری اسلامی ایران و پاکستان به عنوان دو بازیگر مهم جنوب غربی آسیا با وجود داشتن مرزهای طولانی و نسبتاً ناامن و تاثیرگذاری آن‌ها بر تحولات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی نیازمند مطالعه، شناسایی و واکاوی عوامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی و مواضع دو طرف نسبت به همدیگر می‌باشیم. به همین علت هدف اصلی از ارائه این مقاله، شناخت و بررسی «نقش و جایگاه دیپلماسی دفاعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال پاکستان می‌باشد»، که در آن، با تبیین بیشتر موضوع، ضمن بررسی مفهوم دیپلماسی دفاعی به چگونگی به‌کارگیری آن با توجه به تحولات بوجود آمده توسط ایران نسبت به پاکستان و تاثیر آن بر سیاست خارجی پرداخته است. و فرض ما این است که «با توجه به بی‌ثباتی ذاتی کشور پاکستان که زائیده تعیین مرزهای نامناسب و تاثیرگذاری برخی از کشورها بر سیاست‌های این کشور است، دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باعث مهار سیاست‌های تهاجمی این کشور در قبال تحولات منطقه‌ای مؤثر بر امنیت ملی ایران شود.

۱. پیشینه تحقیق

ابوالقاسم اویسی کهخا و دیگران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "واکاوی ژئوپلیتیک روابط ایران و پاکستان: با تأکید بر تهدیدات"، بررسی روابط دو کشور پرداخته‌اند و پرسش اصلی آنها در این پژوهش این است که مهم‌ترین عوامل تنش و تهدید، بر مبنای

حاکمیت ژاپن در روابط دو کشور ایران و پاکستان کدام است؟ است و در پاسخ به این فرضیه رسیدند که با عنایت به شرایط داخلی پاکستان و مشکلات حل نشده این کشور با همسایگانش به نظر می‌رسد پاکستان با وجود ۹۸۷ کیلومتر مرز مشترک با ایران، تهدید زا و تنش آفرین است. شهره جلال پور و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان **"متغیرهای تاثیرگذار بر واگرایی روابط ایران و پاکستان"**، معتقدند که روابط ایران و پاکستان قبل از انقلاب اسلامی دوستانه و کم تنش بود ولی پس از انقلاب به علل مختلف به سمت واگرایی بیشتر حرکت کرد، نویسندگان بر اساس نظریه سازه انگاری و تأثیر هنجارهای اجتماعی در صدد پاسخ به این سؤال هستند که مهمترین متغیرهای تاثیرگذار در واگرایی ایران و پاکستان کدامند؟ در پاسخ معتقدند که مجموعه‌ای از عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب واگرایی در روابط دو کشور شده است.

حمیدرضا محمدی و ابراهیم احمدی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان **"تحلیل دو سطحی از او ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان (سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی)"**، به بررسی روابط منطقه دو کشور ایران و پاکستان پرداخته‌اند و معتقدند با وجود زمینه‌های متعدد همگرایی در حال حاضر از جنبه‌های گوناگون این روابط واگراست، آن‌ها در این پژوهش دارند با تبیین و تحلیل زمینه‌های واگرایی روابط بر اساس تلفیقی از سطوح مزبور سناریوهایی را در جهت همگرایی دو کشور ارائه دهند.

یاسر کهرازه و دیگران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان **"چالش‌های امنیتی روابط ایران و پاکستان در منطقه بلوچستان پس از ۱۱ سپتامبر"**، به اهمیت ایران به عنوان کشوری هم مرز با جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز در سیاست خارجی و امنیت ملی پاکستان اشاره نموده‌اند که در سالهای اخیر گروه‌های تجزیه‌طلب تروریستی در مرزهای دو کشور این رابطه را با چالش‌هایی مواجه نموده است، نویسندگان در صدد بررسی تهدیدات امنیتی موجود در منطقه و اثرات آن در روابط بین دو کشور با تکیه بر مفاهیم امنیتی مکتب کپنهاگ هستند، و معتقد به وجود تهدید مشترک و تأثیرگذار و روابط دو کشور در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند. محمد محمودی بالا گفشه و دیگران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان **"الگوی روابط امنیتی ایران و"**

پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷"، بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و پاکستان پرداخته‌اند این سؤال را مطرح کرده‌اند که روابط امنیتی ایران و پاکستان چه تأثیری بر مقابله با پدیده تروریسم داشته است؟ به طوری که یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که الگویی روابط امنیتی ایران و پاکستان در مقابله با پدیده تروریسم بیش از هر چیز می‌بایست با توجه به مؤلفه‌های متعددی شکل بگیرد که بیشتر این مؤلفه‌ها تنها تحت تأثیر طرفین بوده و کشورهای دیگری نیز در این موضوع ذی نفوذ هستند.

۲. چارچوب تحلیلی: مفهوم دیپلماسی

کشورها بعنوان بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل، که به درجات گوناگون در معرض پویایی‌های نظام جهانی قرار دارند، از جانب فرآیندهای جهانی شدن در چالشی جهت حفظ و تداوم بقای خود و همچنین ارتقای منزلت خود هستند. به همین خاطر است که سیاست خارجی کشورها موضوعی بسیار مهم محسوب می‌گردد و بواسطه این امر دیپلماسی فراهم کننده ابزاری است برای بازیگران در سطوح جهانی به منظور اجرای سیاست خارجی مورد نظر خود در پهنه ارتباطات جهانی؛ در واقع مفهوم دیپلماسی از جمله مفاهیم پیچیده و دشواری است که باعث شده تا با توجه به ماهیت در حال تغییر مفهوم دیپلماسی، در تعریف آن اجماع نظر وجود نداشته باشد و همین امر موجب شده تا تعاریف متعدد و متنوعی با توجه به کاربردش از آن ارائه شود، بطور مثال منظور از کاربرد واژه دیپلماسی در معنای سنتی، وصف تعاملاتی بود که در میان حکومت‌ها و دولت‌ها جریان داشت؛ اما همواره کارکرد آن، مدیریت روابط میان کشورهاست. از این طریق، دیپلمات‌ها دیدگاه‌ها و منافع دیگری را به دولت خود و دولت میزبان‌شان ارائه می‌دادند، و در مذاکرات تلاش می‌کردند تا راهی برای نزدیک کردن دو طرف بیابند، به نظرم مورگنتا دیپلماسی به عنوان مهم‌ترین عامل قدرت ملی سایر عوامل تعیین کننده قدرت ملی را به صورت مجموعه منسجم ترکیب می‌کند و به آنها جهت و وزن می‌دهد (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۴۷) وی «دیپلماسی ابزاری است برای نیل به صلح از طریق مدارا» (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۲۶)، از دیگر تعاریفی که برای دیپلماسی ارائه شده اینست که، مجموعه تدابیر و اعمالی که عمدتاً با استفاده از طرق مسالمت آمیز، حصول حداکثر توافق و

تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل، برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود. (البرزی، ۱۳۶۸:۶) اما با وجود تعاریف متعدد در خصوص دیپلماسی تقریباً معنای واحدی در نزد واحدهای سیاسی فرمی‌شود در حالی که مفهوم دیپلماسی دارای ابعاد وسیعی است که هر محقق به سهم خود برداشت متفاوتی دارد ولی با این وجود همه تعاریف مطرح شده دارای بار معنایی جاوی در جهت حل و فصل اختلافات بین‌المللی است (حاجی زاده، ۱۳۹۹:۲۱۱).

۱-۲. دیپلماسی دفاعی

۲۰۷

دیپلماسی دفاعی از جمله مقوله‌هایی است که در خلال دهه‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است و به مثابه بخشی از «همکاری‌های عمیق دفاعی» در دستور کار بسیاری از کشورها قرار دارد (Haack, 2007:5)، و عبارت است از فعالیت‌هایی مانند انجام گفتگوهای امنیتی، راهبردی و سطح بالا، تبادل‌های آموزشی و حرفه‌ای نظامی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، برگزاری رزمایش و تمرین‌های نظامی مشترک و مانند آن از سوی کشورها و یا انجام مذاکرات و دیگر روابط بین‌ارتش‌ها توسط دیپلمات‌های نظامی که هدف از آن، تأثیر گذاری بر محیطی است است که نیروی‌های نظامی در آن فعالیت می‌کنند. به گونه‌ای که سعی و تلاش آن بر این است که از راه مراودات صورت گرفته، بیشترین توافق را میان دولت‌ها در حوزه دفاعی برقرار ساخته و ضریب امنیتی میان آنها را افزایش دهند و به سیاست‌های دفاعی خود دست یابند (یوسفوند و دیگران، ۱۳۹۸:۱۰۲). استفان بلانک^۱، معتقد است که این ایده ابتدا در اروپا و پس از جنگ سرد ظاهر شد و ریشه‌های آن اغلب به بازنگری راهبرد دفاعی بریتانیا در سال ۱۹۹۸ برمی‌گردد، و در آسیا نیز برخی از کشورها این مفهوم را اقتباس کرده و در سیاست امنیت ملی خود از آن استفاده نمودند (حسینی و رحیم پوراصل، ۲۲: ۱۳۹۷)، در واقع این مفهوم، با استخراج مؤلفه‌های نرمی که در دیپلماسی عمومی مورد تاکید قرار گرفته، آن را بستری مناسب برای نظام مند نمودن شکل جدیدی از ارتباط‌های بین‌المللی متکی بر انتقال احساس، باور، فکر و رفتار از قدرت مرجع به دیگران و تولید جاذبه و کشش معنوی در میان آنها و در نهایت، به بار نشان دادن مجموعه

¹ Stephen Blanc

از ایده‌ها، ارزش‌ها و غایت‌ها در ساختار اجتماعی جوامع و ملت‌های هدف، تبدیل نمود (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰: ۸۹). در واقع دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی کشور است که در کنار سیاست خارجی، منبع اعمال قدرت برای ارتقای ظرفیت اقدام و کنش یک کشور در روابط خارجی را شکل می‌دهد؛ به طوری که این نوع دیپلماسی نه تنها ناظر بر کاربست سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی بلکه متضمن سهم شدن دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی خواهد بود (مطلبی، ۱۴۰۰: ۷۶). به همین خاطر دیپلماسی دفاعی ناظر بر اولویت و برجسته‌سازی کاربست و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی، گفتگو و تعامل و همه ابزارهای غیر قهری برای پیشبرد هدف‌ها و کار ویژه‌های دفاعی است که در آن بهره‌گیری از ابزارهای غیرنظامی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی و در نهایت هدف‌های ملی را مدنظر قرار می‌دهد (انعامی علمداری، ۱۳۸۵: ۹۴)، و به عنوان یکی از ابزارهای غیر قهری و مسالمت آمیز هم به تدوین مطلوب و هم اجرای موفقیت آمیز سیاست‌های دفاعی - امنیتی کمک می‌کند، و با اهمیت دادن به عنصر پیشگیری، شرایطی را فراهم می‌کند که پیش از هر گونه برخوردی، واحد سیاسی بتواند منافع و هدف‌های خود را حفظ نماید و به بهترین وجه، قدرت را در حوزه‌های گوناگون تقسیم نماید (مینایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶).

این گونه از دیپلماسی درسه سطح قابل پیگیری است: در سطح دو جانبه که به فعالیت‌های کشورها برای تحت تأثیر قرار دادن محیط درونی یک کشور بر کشور دیگر اشاره دارد، در سطح منطقه‌ای که به فعالیت‌های چند جانبه کشور برای نفوذ در محیط منطقه‌ای و تقویت روابط با کشورهای منطقه و شکل‌دهی و محیط امنیتی آنها اشاره دارد؛ سطح سوم یا همان سطح بین‌المللی، که در آن به فعالیت حکومت‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن محیط بین‌المللی به منظور حمایت از اهداف دفاع ملی اشاره می‌کند (علیدوستی شهرکی و رحمتی پور، ۱۳۹۷: ۱۱۰). البته باید خاطر نشان کرد که منظور از «دفاع» در مفهوم دیپلماسی دفاعی، چارچوب سیال، منعطف و گسترده دفاع است که بر اساس آن، صلاحیت نیروهای مسلح فقط در زمینه پیگیری امور دارای ارتباط مستقیم با تمامیت ارضی نخواهد بود؛ بلکه نیروهای مسلح در خصوص امور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز که به صورت غیر مستقیم بر تمامیت ارضی و نیز امنیت ملی تأثیر دارند،

امکان ورود خواهند داشت (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷). البته همانگونه که ذکر شد دیپلماسی خود به شاخه‌های گوناگون تفکیک می‌شود و دیپلماسی دفاعی به عنوان یکی از گونه‌های دیپلماسی، خود به سه دسته تقسیم می‌گردد که شامل دیپلماسی آشکار، دیپلماسی نهضتی و دیپلماسی پنهان یا اطلاعاتی می‌شود. به طوری که در جمهوری اسلامی ایران همانگونه که وزارت خارجه مسئولیت دیپلماسی رسمی کشور را برعهده دارد، در دیپلماسی دفاعی نیز مقامات نظامی ارتش و سپاه و ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران سعی در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماسی آشکار هستند، و سازمان‌هایی مانند نیروی قدس سپاه و جامعه المصطفی از طریق دیپلماسی نهضتی فعالیت دارند و همچنین دیپلماسی اطلاعاتی - امنیتی کشور را نیز وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پیگیری می‌کنند.

۲۰۹



چالش‌های پیش
روی دیپلماسی
دفاعی جمهوری
اسلامی ایران و
پاکستان

۲-۲. کارکردهای دیپلماسی دفاعی

هدف و کارکرد دیپلماسی دفاعی، کاربرد سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی به منظور تأمین اهداف عالی یک نظام سیاسی در قالب استراتژی کلان ملی است و با توجه به ماهیت خود دربرگیرنده هر دو بعد قدرت نرم افزاری و سخت افزاری، و عملیاتی کردن آن در محیط بین‌المللی است، به گونه‌ای که منافع و اهداف نظام سیاسی را با کمک بخش دفاعی و بدون کاربرد قدرت سخت تأمین می‌کند (مینایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۶). به همین علت از آن به عنوان مکمل دیپلماسی سیاسی و نوعی قدرت نرم با پشتوانه قدرت سخت یاد می‌شود که بر اساس اولویت‌های هدایت‌کننده سیاست‌های امنیت ملی کشور در جهت تحقق اهداف آن در راستای قبض و بسط مناسبات خارجی دفاعی و نظامی با سایر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد، و همچون دیگر گونه‌های دیپلماسی از سه روش تشویق و ترغیب، توافق، سازش و مصالحه و یا تهدید برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌نماید، و البته می‌تواند ترکیبی از هر سه عنصر مذکور نیز باشد چون این عناصر در ذات خود نوعی پیوند درونی با دو مفهوم قدرت و امنیت دارند (علیدوستی شهرکی و رحمتی پور، ۱۳۹۷: ۱۰۷). در واقع کار اصلی دیپلماسی دفاعی ارائه تصویری مثبت از دولتها و نمایشی صلح‌آمیز و حتی الامکان غیر خشن از قوای نظامی آنهاست، و سیاست دفاعی هر کشور برای دستیابی به اهدافش که متضمن بقاست، که

می‌توان آن را در سه حوزه ذکر نمود، حوزه اول صنایع دفاعی و تجهیزات نظامی آن کشور است، و حوزه دوم شامل راهبرد دفاعی می‌شود که بر مبنای سیاست دفاعی اتخاذ می‌گردد، حوزه دیگر که همان دیپلماسی دفاعی است به عنوان سومین حوزه در سیاست دفاعی کشورها مطرح و به عنوان پیوند دهنده دو بال صنایع و راهبردهای دفاعی عمل می‌کند و شامل تبادلات آموزشی و هیئت‌های نظامی، همکاری‌های فنی، دفاعی و عملیاتی، موافقت‌نامه‌ها و پیمانهای نظامی، رزمایش‌های مشترک و حتی گرامیداشت مناسبت‌ها را نیز در بر می‌گیرد.

۲-۳. دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی

در کنار سیاست خارجی، ساختارهای دفاعی - امنیتی نیز از عوامل مهم و تاثیرگذار بر کیفیت ایفای نقش‌های بین‌المللی کشورها به شمار می‌روند؛ این نقش مهم در غالب دیپلماسی دفاعی نمایان می‌شود و در آنجا که جنبه‌هایی از سیاست و راهبرد کلان دفاعی مشخص می‌شود، به گونه‌ای که ترکیب سیاست خارجی و سیاست دفاعی هر کشور، فراهم آورنده یک بخشی از دیپلماسی کلان هر کشور است (علیدوستی شهرکی و رحمتی پور، ۱۳۹۷: ۱۰۶). بسیار مبرهن است که دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی می‌باشد که در کنار سیاست خارجی، منابع اعمال قدرت ملی برای بالا بردن ظرفیت اقدام یک کشور در روابط خارجی (دو و چند جانبه) را تشکیل می‌دهد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

اهمیت قوای نظامی برای حفظ امنیت، بقا و ثبات یک کشور بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که دیپلمات‌های دستگاه سیاست خارجی در پای میز مذاکره باید از پشتوانه‌ای قوی به لحاظ قدرت نظامی، اقتصادی و همچنین انسجام داخلی برخوردار باشند تا بتوانند قدرت چانه زنی خود را افزایش داده و در حد امکان بیشترین امتیاز را کسب و کمترین امتیاز را به طرف مقابل واگذار نمایند به همین خاطر است که ماکیاولی به نقش تعیین کننده قدرت نظامی در سیاست توجه دارد و به این نتیجه می‌رسد که تنها در صورتی از نعمت یک دولت حفظ می‌شود که قدرت نظامی جایگاه مناسب خود را در نظام سیاسی به دست آورده باشد (آسمانی کناری و طباطبایی، ۱۳۹۸: ۲۴۵). بواقع دیپلماسی دفاعی از جمله مقوله‌هایی است که در اختیار دولت قرار دارد و در نظام

جمهوری اسلامی ایران به طور مشخص وزارت دفاع عهده دار راهبری آن است؛ و این وزارتخانه در چارچوب ضوابط و خط‌مشی‌های تعیین شده در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام، برنامه‌های توسعه کشور، سند سیاست دفاعی، ضوابط ابلاغی از سوی شورای عالی امنیت ملی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نیز با نظارت ستاد کل نیروهای مسلح، برنامه‌ها و اقدام‌های خود را در حوزه دیپلماسی دفاعی اجرا می‌کند؛ به طوری که در جمهوری اسلامی ایران اهداف دیپلماسی دفاعی تابع اهداف کلی سیاست خارجی است و دیپلماسی دفاعی نیز زیر مجموعه سیاست خارجی محسوب می‌گردد (مینایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۱). شایان ذکر است که سیاست خارجی اساساً مسئله‌ای فراحزبی و فرا جناحی محسوب می‌شود، چرا که مستقیماً با منافع و امنیت ملی کشور سروکار دارد، و برخلاف سیاست داخلی، چندصدایی در عرصه سیاست خارجی به خصوص در حوزه عمل، اگر توسط یک ستاد مرکزی و حاکمیتی مدیریت و هدایت نشود سمی مهلک و زهری کشنده^۱ خواهد بود (قادری کنگاوری، ۱۳۹۹: ۱۵).

۳. دیپلماسی دفاعی از منظر جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران همانند هر کشوری با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود، سطحی از اقدام‌های پدافندی را در قبال تهدیدهای دشمنان به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌دهد (عسکرخانی و حق‌شناس، ۱۳۹۰: ۸۸)، بر همین اساس ایران نیز از طریق دیپلماسی دفاعی با بهره‌گیری از توان دیپلماتیک و ابزارهای سیاسی برای کسب بالاترین هدف‌های دفاعی جهت مقابله با تهدیدهای منطقه همواره تلاش‌های وافر داشته است، به طوری که راهبرد دیپلماسی دفاعی آن مبتنی بر موازنه‌گرایی و تعامل مبتنی بر اعتماد و تنش‌زدایی و همکاری بوده؛ و بر اساس رویکرد و گفتمان حاکم بر آن در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خنثی‌سازی آنها بر اساس یک رویکرد ترکیبی تدافعی - تعاملی همه‌جانبه است، به نحوی که خصلت‌های این نوع دیپلماسی؛ فعال بودن، ایجاد درک متقابل از اهداف، خواسته‌ها، داشته‌ها و تقویت اراده

¹ Deadly poison

جمعی در حل منازعات و کاهش تهدیدها و حرکت به سوی یک جهان آرام و امن است (خداوردی، ۱۳۹۱: ۹۵). در حقیقت مهمترین اصل حاکم در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران و بویژه در اندیشه رهبر انقلاب، اصالت صلح می‌باشد و دیپلماسی دفاعی به عنوان یکی از مهمترین محورهای اندیشه دفاعی ایشان دارای مختصات و اصولی همچون: نفی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و مقابله با امپریالیسم جهانی؛ دفاع از کیان اسلام و مسلمانان با تاکید بر وحدت جهان اسلام، اصل حمایت از مظلومان جهان، خودباوری ملی و خود اتکایی و دفاع هوشمندانه در برابر تهدیدات جدید است (صفوی، ۱۳۹۳).

۳-۱. پیشینه روابط ایران و پاکستان

پیشینه روابط سیاسی ایران و پاکستان به آغاز شکل‌گیری پاکستان و استقلال آن از هند بر می‌گردد به طوری که با استقلال پاکستان در ۱۹۴۷ ایران اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰) و جالب اینجاست که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، پاکستان نیز اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت، و شاه اولین رئیس دولتی بود که در مارس ۱۹۵۰ به پاکستان سفر کرد و در همان ماه یک ماه دوستی امضا کردند، با ظهور پاکستان به عنوان یک کشور مستقل هند مجاورت ارضی خود را با ایران که قرن‌ها مشترک بود از دست داد و می‌توان گفت که پاکستان نه تنها از نظر جغرافیایی بین هند و ایران پدیدار شد بلکه به یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده در روابط ایران و هند تبدیل شد و با وجود اختلافات شیعه و سنی، هویت اسلامی به عامل مهمی در شکل دادن به روابط ایران و پاکستان، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران تبدیل شد و در ابتدا بر مبنای همگرایی روابط خود را پایه ریزی نمودند و با مخالفت مشترک دو کشور نسبت به مداخله شوروی در افغانستان فصل مشترکی در روابط دو کشور آغاز شد ولی پس از خروج شوروی موضوع افغانستان به یکی مهمترین اختلافات بین دو کشور تبدیل شد و متعاقب آن در دهه ۱۹۹۰ جهان دیپلماسی شاهد کاهش شدید روابط میان پاکستان و ایران بود (Shah Alam, 2004: 526)، این موضوع در درجه اول می‌توان به دلیل حضور طالبان تحت حمایت پاکستان و کنترل ۹۰ درصدی افغانستان و هدف قرار

گرفتن شیعیان دانست و بدنبال آن در سال ۱۹۹۸، زمانی که طالبان دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی را در شمال افغانستان به شهادت رساندند، وضعیت تقریباً به یک جنگ تمام عیار تبدیل شد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶). در حقیقت ایران به نوعی گهواره تمدن و فرهنگ کشورهای شبه قاره به ویژه پاکستان محسوب می‌شد، و نخست وزیر پاکستان در سفر به تهران و تاکید بر اهمیت و قدمت زبان فارسی در این کشور به این موضوع به صورت ضمنی اشاره نمود (اویسی کهخا و دیگران، ۱۴۰۰:۱۷۲).

اما باید گفت روابط کشورها فارغ از پیشینه و تاریخ و برخی مؤلفه‌های مشترک که به نوبه خود دارای اهمیت هستند، در برگیرنده برخی عوامل است که با توجه به تحولات کوتاه مدت و حتی میان مدت نیز حادث می‌شود؛ و روابط دو جمهوری اسلامی ایران و پاکستان نیز از این قاعده مستثنی نیست. برای درک بهتر این موضوع در بین دو کشور ابتدا به ساکن باید گفت که پاکستان با توجه به قدمت نه چندان زیاد تشکیل دولتی مستقل و نحوه استقلال خود و اتفاقات عدیده‌ای که در این مدت نه چندان زیادی که برای آن به وقوع پیوسته، علاوه بر جایگاه خاصی که به آن داده، آن را در محیطی مبتنی بر گهواره‌ای لرزان از تحولاتی ژئوپلیتیکی قرار داده که نه در حدود آن و نه در کنترل و راهبری آنها چندان توانایی از خود ندارد و به همین علت است که در سیاست خارجی پاکستان فراز و فرودهای بسیاری به چشم می‌خورد به گونه‌ای که عرصه دیپلماسی پاکستان یکی از پیچیده‌ترین عرصه‌های دیپلماسی جهان به شمار می‌رود، اختلاف دیرینه همراه با سه تقابل مستقیم نظامی با هند بر سر منطقه مورد اختلاف جامو و کشمیر، نفوذ سنتی در صحنه تحولات افغانستان، حمایت مستقیم و غیرمستقیم از ده‌ها گروه مذهبی افراطی با گرایش‌های تروریستی در سطح منطقه، اختلافات و همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران از یک طرف، و مشارکت راهبردی با ایالات متحده آمریکا از طرف دیگر و همچنین همسویی با کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس از جمله ویژگی‌های سیاست خارجی پاکستان به شمار می‌رود (احمدی و دیگران، ۱۳۹۸:۱۶۶).

در واقع سیاست خارجی پاکستان ارتباط تنگاتنگی با ملاحظات امنیت ملی دارد به نحوی که روابط خارجی آن طوری تنظیم می‌شود تا نهایت امکان را برای تداوم موجودیت این کشور فراهم آورد ((Paul, 200:54)، چون که این کشور با توجه به اینکه

در معرض تهدید مداوم هند به عنوان یک قدرت نوظهور قرار دارد، همواره به دنبال عمق بخشی روابط استراتژیک خود با دیگر کشورها به منظور ایجاد یک نوع موازنه در برابر هند است. و همین نگاه تک بعدی باعث شده تا پاکستان بیشتر اوقات در دام تصورات نادرست گرفتار آمده و با وجود تغییرات در عناصر و عوامل تعیین کننده سیاست خارجی، سیاستی انعطاف ناپذیر و مبتنی بر خشونت و برهم زدن نظم منطقه و همسایگان را در پیش بگیرد (فرزین نیا، ۱۳۸۳: ۷۱) و گاه بر خلاف روال معمول سیاست خارجی خود با همسایگان را با توجه به روابطش با کشورهای رقیب آنها تنظیم می‌کند، مثلاً در رابطه با جمهوری اسلامی ایران با توجه به تاثیرگذاری عربستان در محیط داخلی پاکستان، این کشور سیاست خارجی خود با تهران را تا حدود زیادی بر اساس این مؤلفه تنظیم می‌کند و در ارتباط با دیگر همسایگان نیز این گونه عمل می‌نماید، به نحوی که بررسی‌های نشان از این واقعیت دارد که پاکستان در بعد خارجی با تمامی همسایگان خود به جز چین با تناسبی متفاوت در تنش‌های مداوم است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

بر همین اساس مناسبات دو کشور ایران و پاکستان قبل و پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است، که در این میان می‌توان گفت همواره تمایل به واگرایی مهمترین مشخصه در مناسبات این دو کشور بوده که در این ارتباط مهمترین عوامل و متغیرهای تاثیرگذار در این رابطه را می‌توان موضوعاتی همچون اختلافات مذهبی شیعه و سنی، مشکلات مرزی همچون تردد گروههای تجزیه طلب و تروریست به خصوص از پاکستان به خاک جمهوری اسلامی ایران، روابط ایران و هند، رابطه پاکستان با کشورهای امریکا و عربستان، رقابت دو کشور در افغانستان و برخی از متغیرهای داخلی دو کشور مانند قدرت گیری نظامیان در پاکستان را می‌توان اشاره نمود (جلال پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲).

با وجود این که پاکستان هیچ گونه اختلاف مرزی با جمهوری اسلامی ایران ندارد، اما حضور مرزی گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب یک نگرانی مشترک برای جمهوری اسلامی ایران و پاکستان باقی مانده است (کهرآزه و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۲). البته با آگاهی نسبت به عواملی که نشانگر گرایش واگرایانه در روابط ایران و پاکستان مشاهده

می‌شود می‌توان گفت که وجود مسائل و نقاط مشترک و همچنین مرزهای طولانی و اشتراکات فراوان فرهنگی که میان دو ملت می‌باشد برخلاف برخی تضادها شاهد سطح عمیقی از روابط در حوزه غیر رسمی میان دو کشور هستیم به گونه‌ای که تنشهای ایجاد شده بین دو کشور که بیشتر ماهیت ژئوپلیتیک دارند را به حاشیه رانده است.

۳-۲. دیپلماسی دفاعی و چالش‌های ایران و پاکستان

پاکستان در عرصه دیپلماسی دفاعی و همچنین دیپلماسی نظامی با توجه به ویژگی‌ها ژئوپلیتیکی که در آن قرار دارد کشوری نسبتاً فعال می‌باشد به طوری که با وجود دارا بودن تسلیحات هسته‌ای همواره سعی نموده است در بعد تسلیحات متعارف نیز با کشورهای مختلف جهت توانمندسازی و بازدارندگی حداقلی در برابر هند روابط خود را با دیگر کشورها گسترش دهد. به همین خاطر بررسی روابط دو کشور در قالب دیپلماسی دفاعی گویای زوایایی از تحولات منطقه‌ای و جهانی مور بر دو کشور است که این عوامل شکل دهنده استراتژی هر کدام در مسیر کسب منافع ملی می‌باشند، و در ابتدا با گفت که وقوع دو تحول بزرگ یعنی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران و مداخله شوروی در افغانستان، ژئوپلیتیک منطقه را به کلی تغییر داد و بازی جدیدی در منطقه آغاز شد که در آن آمریکا، ایران را از دست داد و اتحاد جماهیر شوروی افغانستان را به دست آورد؛ و این دو تحول تغییرات اساسی در روابط ایران و پاکستان به همراه داشتند. از طرف دیگر ایران به عنوان یک کشور انقلابی با نگاهی ایتولوژیک مبتنی بر صدور انقلاب جهت تغییر در وضعیت موجود خلیج فارس ظاهر شد، و از جانب دیگر پاکستان با کمک ایالات متحده به عنوان کشور خط مقدم در ائتلاف تحت رهبری آمریکا علیه مداخله شوروی در افغانستان متبلور گردید. اما این پایان ماجرا نبود و روابط ایران و پاکستان تحت تأثیر اتحادهای در حال تغییر منطقه‌ای و جهانی مهمتری نیز قرار گرفت به طوری که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، و تغییرات ساختاری در نظام بین الملل، اثراتش بر روابط ایران و پاکستان محسوس گشت و در طول جنگ سرد، روابط آنها به شدت تحت تأثیر رقابت ابرقدرت‌ها قرار گرفت، به گونه‌ای که خصومت ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت و همچنین روابط این کشور با پاکستان به عنوان یک شریک استراتژیک پس از خروج شوروی از افغانستان کاهش

یافت. سیاست امنیت ملی کشورها بی‌تردید محصول عوامل متعددی است که با تداخل و هم پوشانی و بعضاً رقابت مسیر حرکت و ریل گذاری کشورها را تعیین می‌کنند و در این میان تهران و اسلام آباد از این امر مستثنی نبوده و هرکدام در این زمینه اولویت‌های خود را دارند، مثلاً جمهوری اسلامی ایران منافع امنیتی خود را در درجه اول غرب آسیا به ویژه در منطقه خلیج فارس و سپس بخش شمال شرقی تعریف نموده و این درحالی است پاکستان ضمن آنکه مهمترین نگرانی امنیتی خود را حول محور تنش با هند سامان داده، افغانستان را دومین عامل در امنیت و ثبات خود در نظر می‌گیرد به همین خاطر هرگونه تحول در خلیج فارس یا جنوب آسیا به دلیل همجواری منطقه‌ای تعارض منافع بر دو کشور تأثیر خواهد گذاشت. به همین خاطر در بررسی روند روابط دو کشور با توجه به ماهیت ژئواستراتژیکی که در آن قرار دارند امنیت مهمترین عامل و بستر برای تبیین بهتر روابط آن‌ها می‌باشد به طوری که هر گاه از زاویه دید پاکستان به ایران نگاه می‌شود، هند از متغیرهای اصلی در حوزه امنیتی روابط با ایران است (جوادی ارجمند و بیدالله خانی، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

در حقیقت رقابت دوگانه ایران و پاکستان از منظر روابط جمهوری اسلامی ایران با هند آن را تا حدودی می‌توان در همکاری دهلی نو به تهران در بندر چابهار مشاهده نمود به گونه‌ای که پاکستان توسعه بندر چابهار توسط این کشور را تهدیدی برای امنیت و پروژه برای رقابت با بندر گوادر می‌داند، به خصوص وقتی از نظر محافل دفاعی هند بندر چابهار یک بندر استراتژیک برای این کشور است که استفاده از آن را برای تحقق برخی اهداف امنیتی کشورشان حیاتی می‌دانند؛ از طرف دیگر پیوند پاکستان با آمریکا به عنوان دشمن درجه یک ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیوسته عاملی تعیین کننده در مناسبات سیاسی دو کشور بوده، و از این بابت تهران به هند به عنوان یک عامل موازنه‌ای متقابل نگاه می‌کند (جوادی ارجمند و بیدالله خانی، ۱۳۹۱: ۱۶۱) که با آن رابطه پاکستان با آمریکا و عربستان را تنظیم می‌کند، چون از نظر ایران در رابطه با مناقشه هند و پاکستان تهران ترجیح می‌دهد که در نوع برخورد با این موضوع ارتباط با دو کشور جانب احتیاط و اصل موازنه منافع را در نظر داشته باشد به طوری که از یک سو ایران به واسطه همسایگی با پاکستان و وجود مرزهای طولانی با این کشور در طرح‌های ضد

پاکستانی، هند و امریکا شرکت نمی‌کند و از پاکستان به عنوان کشوری دوست و همسایه یاد می‌کند، و از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران با هند در پاره‌ای از موضوعات منطقه‌ای و جهانی، نظیر نقش برهم زننده پاکستان در امنیت افغانستان، حمایت این کشور از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی با هند همسو و هم نظر است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). از نظر مشکلات مرزی شاید بتوان گفت که مسئله بلوچستان به عنوان یک نگرانی مشترک میان دو طرف و به عنوان یک فصل مشترک در زمینه مسائل امنیتی می‌توان به آن نگاه کرد تا بدان وسیله سندهای امنیتی مشترکی را در بحث مسائل مرزی و ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تدوین نمایند. از دیگر موارد مهم در روابط دو کشور انتصاب فرمانده نظامی پاکستان ژنرال باجوا در سال ۱۳۹۶ به فرماندهی ائتلاف ضدتروریسم عربستان موسوم به «نیروهای ناتو اسلامی» که اتحادی مشتمل بر ۴۲ کشور مسلمان است، باعث شده بود ایران به برداشت‌های منفی جدی در خصوص اسلام آباد برسد و با فاصله گرفتن از پاکستان به سمت دیگر کشورهای آسیای میانه مثل افغانستان و هند تمایل پیدا کند موضوعی که به لحاظ استراتژیک برای پاکستان چندان خوشایند نیست و موجب سفر مهم فرمانده ارتش پاکستان پس از سه دهه به تهران شد (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶). اما شاید مهمترین رویداد میان دو کشور در حوزه دیپلماسی دفاعی را مربوط به رزمایش مشترک ترکیه، آذربایجان و پاکستان در سپتامبر ۲۰۲۱ موسوم به سه برادر دانست، اتفاقی که بدنبال جنگ قره باغ و پیروزی آذربایجان بر ارمنستان افتاد و با واکنش انفعالی تهران در قبال آن نه تنها موجب گستاخی باکو شد بلکه به همکاری آنکارا بدنبال قطع مرزهای استراتژیک ایران با ارمنستان برآمدند و با برگزاری رزمایش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران خط قرمز ایران نسبت به تغییرات ژئوپلیتیکی صریحاً اعلام شد، اما نکته قابل تأمل حضور پاکستان در این رزمایش بود به طوری که پائول آنتونوپولوس در مقاله‌ای با عنوان «تقابل فزاینده ایران و محور ترکیه-آذربایجان-پاکستان» معتقد است که، شاید در بررسی‌های ژئوپلیتیکی حضور پاکستان در این رزمایش قابل توجیه نباشد، اما دلیل آن هرچه که هست نشانی از تلاش در جهت تغییر موازنه ژئوپلیتیکی همسایگان علیه ایران دارد (آزادی، ۱۴۰۰). در حقیقت سه کشور پاکستان، ترکیه و عربستان درصدد هستند تا از طریق سیاست‌های هویت‌گرا به

تحکیم و تقویت روابط خود پردازند و با اتحاد بر اساس منافع مشترک به گسترش همکاری‌های بخصوص در حوزه نظامی پرداخته (سهاکیان، ۱۴۰۰)، و چینش منطقه را بر مبنای علایق و منافع خود ترسیم نمایند و دنبال آن رقبای منطقه‌ای، از جمله هند و روسیه را کنار بزنند. به همین علت رزمایش نظامی مشترک سه برادر در آذربایجان می‌تواند حامل پیام مهمی برای ایران باشد، پیامی که با دریافت آن از سوی تهران، سرلشکر محمد باقری ۲۰ مهر ۱۴۰۰ در رأس هیاتی عالی‌رتبه نظامی به پاکستان سفر کرد و در این سفر با «عمران خان» نخست وزیر پاکستان، «ندیم رضا» رئیس ستاد مشترک و «قمر جاوید باجو» فرمانده ارتش پاکستان و دیگر فرماندهان نظامی این کشور دیدار و گفتگو کرد. شواهد امر گویای این است که وجود موقعیت حساس و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران نیازمند دیپلماسی فعال دفاعی می‌باشد تا بتوان با کمترین هزینه نتایجی مطلوب را در پرتو ترکیبی از قدرت نرم و سخت را کسب نمود و تحولات مربوط به پاکستان و سفر سرلشکر باقری را می‌توان در این راستا تعریف نمود؛ چون که با توجه به تأثیر گذاری عربستان بر مواضع پاکستان و فشارهای امریکا بر پاکستان و همچنین گرایش پاکستان به ورای مرزهای خود و شرکت در رزمایش سه برادر نشانگر ورود این کشور در حوزه‌هایی جدید جهت استراتژی نوینی در چارچوب دیپلماسی دفاعی در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، و همین امر نیازمند تلاشی مضاعف برای کنترل موازنه منطقه‌ای در راستای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

نتیجه گیری

روند تحولات جهانی گویای این موضوع است که امروزه موفقیت در سیاست‌های جهانی، نیازمند استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌باشد؛ و با توجه به تهدیدهای روزافزون فراروی جمهوری اسلامی ایران، بهره گیری از کلیه ظرفیت‌های سخت و نرم در حوزه دفاعی ضرورتی انکار ناپذیر بوده و دیپلماسی دفاعی در زمره یکی از موثرترین ظرفیت‌های نرم دفاعی است که در صورت استفاده صحیح و مناسب می‌تواند آثار مطلوب فراوانی را برای ایران به دنبال داشته باشد، بنابراین با اجرای دیپلماسی دفاعی فعال، هدفمند و مبتنی بر برنامه و نقشه راه، نه تنها می‌توان به اجرای موفقیت آمیز سیاست‌های دفاعی نائل آمد، بلکه می‌توان با کسب اطلاع و آگاهی از

وضعیت بازیگران بین‌المللی، حجم بالایی از اطلاعات و دانش را در اختیار تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران دفاعی قرار داده و تدوین سیاست مطلوب را رقم زد. و در این میان دولت پاکستان به عنوان یکی از بی‌ثبات‌ترین و بحران‌خیزترین کشورهای منطقه و حتی جهان، بواسطه همسایگی با جمهوری اسلامی ایران و رقابت پنهان دو کشور در افغانستان، حضور فعال ایالات متحده و عربستان در تحولات این کشور بویژه علیه کشورمان و همچنین تخاصم این کشور با هند به عنوان اصلی‌ترین دشمن تعریف شده نیازمند شناخت و بازنگری مجدد در زمینه راهبرد دفاعی در قبال آن است، به طوری که شرکت این کشور در رزمایش سه برادر در مرزهای شمال شرقی ایران گویای رویکردی تازه از پاکستان و شروع حوزه‌ای جدید در برابر تهران می‌باشد. همچنین شواهد امر موید یک "مثلث اتحاد" و نانوخته میان ترکیه، پاکستان و عربستان در جهت محصور نمودن و مقابله با برنامه‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است که در صورت عدم برنامه ریزی و پاسخ به موقع و مناسب همچون موضوع جنگ قره باغ می‌تواند دشواری‌های فراوان و هزینه‌های گزاف امنیتی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی بر کشور تحمیل نماید. به همین خاطر ایران باید ضمن پایبندی به اصول و منافع ملی با یک سیاست خارجی چندی بعدی با ابعادی همانند دیپلماسی دفاعی، با بهبود روابط با هند جهت ایجاد یک موازنه در برابر پاکستان و همچنین ترغیب گروه‌های افغانی نسبت به یک حکومت همه شمول با هدف کاهش نقش پاکستان بر تحولات این کشور، در راستای یک موازنه منطقه‌ای با اسلام آباد حرکت کند و از طرف دیگر با توسعه روابط با همسایگان و رفع برخی سوء تفاهات بر مبنای منافع ملی و ایجاد همپوشانی منافع با استفاده همه ابزارها من جمله سه گزینه دیپلماسی دفاعی پنهان، آشکار و نهضتی به خشتی سازی تهدیدات اقدام نموده تا به تبع آن نفوذ و قدرت میدانی مکملی مؤثر در جهت تأمین امنیت منطقه‌ای و پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باشد.

منابع

- البرزی، محمدرضا (۱۳۶۸)، *ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیستم*، چاپ اول، تهران: نشر سفیر.
خداوردی، بهرام (۱۳۹۱)، *دیپلماسی دفاعی در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله العالی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت دفاع.

فرزین نیا، زیبا (۱۳۸۳)، **سیاست خارجی پاکستان**، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، **سیاست میان‌ملتها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات
سیاسی و بین‌المللی.

آسمانی کناری، حدیث و سید محمد طباطبایی (۱۳۹۸)، «دیپلماسی نظامی؛ با راهبرد نوین دولتها در
پیگیری اهداف سیاست خارجی»، **فصلنامه دولت پژوهی**، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**،
سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز، صص. ۲۱۹-۲۵۶.
اویسی کهخا، ابوالقاسم، احمد راهدار و یاسر کهرازه (۱۴۰۰)، «واکاوی ژاپلو تیک روابط پاکستان و ایران؛
با تاکید بر تهدیدات»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال دوازدهم، شماره ۴۸،
صص ۱۶۳-۱۸۴.

انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۵)، «دیپلماسی دفاعی اروپا»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال چهارم، شماره
۱۴، زمستان، صص. ۱۴۶-۱۶۳.

احمدی، سید عباس، ابراهیم احمدی و مهدی حیدریان (۱۳۹۸)، «تبیین نقش و جایگاه بندر گوادر در
راهبرد کلان امنیتی چین- پاکستان»، **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره نهم، شماره ۳،
شماره پیاپی ۳۳، پاییز، صص ۱۵۹-۱۸۸.

ساعد، نادر و قاسم علیدوستی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در
جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال نهم، شماره ۲۴، پاییز، صص ۶۱-۸۸.
جوادی ارجمند، محمد جعفر، آرش بیدالله خانی و پیمان رضایی زاده (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئواستراتژیکی
روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عوامل امنیتی»، **فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و
بلوچستان**، سال چهارم، شماره ۱۲، پاییز، صص ۵۱-۷۶.

حاجی زاده، سیروس (۱۳۹۹)، «الگوی دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در راستای امنیت زایی و عمق
بخشی انقلاب اسلامی»، **نشریه آفاق امنیت**، شماره ۴۸۵، پاییز، صص ۲۰۹-۲۵۴.
علیدوستی شهرکی، قاسم و لیلا رحمتی پور (۱۳۹۷)، «رابطه دیپلماسی دفاعی و سیاست خارجی
(رهیافت نظری ساز و کار سیاست‌گذاری)»، **مجله سیاست دفاعی**، سال بیست و ششم، شماره
۱۰۲، بهار، صص ۱۰۵-۱۳۶.

عسگرخانی، ابومحمد و محمدرضا حق شناس (۱۳۹۰)، «تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی- امنیتی
جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۶۹-۹۹.
قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۹)، «دیپلماسی نهضتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نقشه
راه و مسائل پیش‌رو»، **نشریه آفاق امنیت**، شماره ۴۸، پاییز، صص ۱۶۹-۲۰۸.
جلال پور، شهره، محمد فلاح و فاطمه محمودزاده (۱۳۹۹)، «متغیرهای تاثیرگذار بر واگرایی روابط ایران
و پاکستان»، **مجله بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره پنجم، شماره ۵۶، تابستان، صص ۳۶-۵۵.

کهرازه، یاسر، سعید وثوقی، حسین مسعودنیا و مهناز گودرزی (۱۳۹۶)، «چالش‌های امنیتی روابط ایران و پاکستان در منطقه بلوچستان پس از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال نهم، شماره ۳۲، پاییز، ۸-۳۰.

محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۵)، «تحلیل دو سطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان (سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان، ۱۴۳-۱۷۰.

مینایی، حسین، ابراهیم حاجیانی، حسین دهقان و فروزنده جعفرزاده پور (۱۳۹۶)، «ارزیابی راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت موجود»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۳، تابستان، ۶۳-۹۸.

میرزایی، سید احمد، کاظم غریب آبادی و محمد هادی رضائیان پور (۱۳۹۳)، «دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره بیست و یکم، زمستان، ۱-۲۹.

میرحسینی، سید محسن و ایرج رحیم پور اصل (۱۳۹۷)، «کشورهای شکست خورده، چالش‌های نوپدید دیپلماسی دفاعی با تهدید نظامی یا فرصت جدید»، فصلنامه سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان.

مطلبی، مسعود (۱۴۰۰)، «دیپلماسی دفاعی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی، اهداف، راهبردها و الزامات»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶، ۳۰-۴۵. یوسفوند، یعقوب، علی اصغر کاظمی زند، ابوالقاسم طاهری و سید مصطفی ابطی (۱۳۹۸)، «طراحی الگویی از کاربست قدرت نرم دیپلماسی دفاعی در اجرای سیاست‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۸، زمستان، ۹۳-۱۲۳.

صفوی، سید رحیم (۱۳۹۳)، «عمق بخشی به دفاع از انقلاب در فراتر از مرزهای ایران»، همایش ملی تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای مدظله العالی، ۵۶-۸۱. آزادی، علی (۱۴۰۰)، «منازعه تهران-باکو، جرقه نزاع دو محور منطقه‌ای»، اقتصاد نیوز، کدخبر: ۴۴۴۱۴۹، ۱۴۰۰/۷/۱۰.

سهاکیان، پاتریک (۱۴۰۰)، «مانور نظامی سپتامبر ترکیه، آذربایجان»، سایت دیپلماسی ایرانی، کد ۲۳/۴/۱۴۰۰، ۲۰۰۴۰۲۱.

Willard, James E. (2006), Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the Theater Strategic Level, School of Advanced Military Studies, Command and General Staff College.

Haack, Jurgen and Paul D. Williams (2007), Comparing Regional Arrangements: The Significance of Security Cultures, The Pan-European International Relations, Turin, September.

- Willard, James E (2006), Military Diplomacy: An Essential Tool of Foreign Policy at the theater strategic level, USA, school of Advanced Military Studies.
- Paul, T.V, (2005) The India–Pakistan Conflict An Enduring Rivalry, Cambridge University Press.
- Shah Alam (2004), Iran-Pakistan Relations: Political and Strategic Dimensions, The Institute for Defence Studies and Analyses December 20, Strategic Analysis, Vol 28, No. 4.

